

مدعیان "منافع ملی عراق"، بروز "ماهیت" و یک "پرسش"!!!

علی فرهنگ

"همه حقیقت های بزرگ، نخست به صورت کفر و خلاف شرع ظاهر می شوند."

(جورج برنارد شاو)

پس از تهاجم وحشیانه ارتش تحت امر "نوری المالکی" به "شهر اشرف"، یک "ماهیت" در درون اپوزوسیون رژیم آخوندی، به عیان ترین شکل ممکن نمود یافته است. این "ماهیت" که بر خواسته از "محتوای مبارزاتی جناح مزبور" بوده و هست با **عاملیت** جریان خوشنام "توده ای - اکثریتی"، همراهی بی چون و چرای اصلاح طلبان مذهبی و غیر مذهبی و البته امدادهای غیبی "سربازان گمنام امام زمان" به منصف ظهور رسیده است.

"ماهیت" فوق در سپهر منطق مبارزاتی خود، همیشه حکم بر **"عقب نشینی"** صادر می کند. این "ماهیت"، هیچ گاه "کنشگر" نیست. "واکنش" های آن نیز جنبه "تدافعی" ندارد. همیشه "فرار" را بر "قرار" ترجیح می دهد، ترویج می کند و "حقنه" می سازد! هیچ گاه نه "رومی، رومی" است و نه "زنگی، زنگی"! عقلانیت آن ها همیشه **"محافظه کار"** است. اگر "اصلاحات مرد"، "زنده باد اصلاحات" را غلم می کند و "محمود احمدی نژاد" را تحفه می آورد و اگر "مقلب القلوبنا" نشد به "حول حالنا" رضایت می دهد و "تغییر" پیشه و "توصیه" می کند.

اوج "کنشگری"! این جناح برپایی "تظاهرات سکوت" و رادیکالیسم آن "اسب تروا" و تحریم فیلم "اخراجی ها 3" است!

اگر هزاران بار اصلاحات، "به درک واصل شود" و هزاران بار "مبارزه مسالمت آمیز" با **سرب داغ**، تشییع شود باز هم "اصلاحات؛ هم تاکتیک، هم استراتژی" است و چه بسا **"ایدئولوژی"**! رابطه این جناح با "انقلاب" و "انقلابی" نیز به مثابه "جن" است و "بسم الله"!

این **جناح عقلاپی**!، عاشق منطق "دودوتا" است لذا از پایین فشار می آورد و در بالا چانه می زند تا **"جن"** را در پستوی خانه نهان کند. "عقلانیت" این جناح تا آنجا پیش می رود که جفتک به گور "پیر گفتار جماران" می زند و به عریضه نویسی و "چغلی" به "پیشگاه" شیطان بزرگ" روی می آورد تا شاید **"تغاری بشکند، ماستی بریزد، جهان گردد به کام کاسه لیسان"**. در نهایت نیز بزرگان این جناح در قبال "جنایت علیه بشریت"، "سکوت" را به علامت "رضاء" برقرار می سازند و به همگان یادآور می شوند که به باور ایشان، حقوق بشر، **"شله زرد نذری"** است!

در این میان یک جناح از اپوزوسیون انقلابی به **"عقل سرخ"** اتکا دارد. سال ها است که با چوب و چماق و تیر و تبر و خمپاره و زرهی و... و **"جنگ روانی"**، پذیرایی می شود اما "تغییر" نمی کند، "استحاله" نمی شود. زبان **"عقلانیت محافظه کار"** را نمی پذیرد و اساساً نمی فهمد. "عقب" نمی نشیند و **واژه تسلیم را نمی شناسد**.

اینجا است که **"عقل معاش"** نوری مالکی ها به یاری "عقل معاش" جناح مزبور می آید و تغاری می شکند و ماستی می ریزد و جهان می گردد به کام کاسه لیسان. زهی خیال باطل!

به موجب تغار شکسته و ماست ریخته شده، طایفه ای که **"حیات حقیقی و خائنانه"** را نو به نو، به روز می کند، فرصت جولان می یابد و زبان از نیام بر می کشد و آن می کند که می بینیم. از "حمید فرخنده" تا "اکبر گنجی"، از "علی سالاری" تا "ایرج شکری" و از "فرخ نگهدار" تا "حسن یوسفی اشکوری". در این طایفه مشمئزکننده، همه چیز می توان یافت. از "سوسیالیست" تا "لیبرالیست"، از "سوسیال دموکرات" تا "لیبرال دموکرات"، از "مذهبی" تا "غیر مذهبی"، از "چریک فدایی؟! تا "رایزن فرهنگی"، از "خبرنگار" تا "حجت الاسلام و المسلمین" از "عضو سابق مجاهدین" تا "همکار اسبق نهادهای امنیتی"، از "همسنگر سابق که اخراج شد" تا "آنکه به خون ما تشنه است" و...

اشتراک فی ما بین، اما یکی است؛ "ضدیت با مجاهدین خلق". نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر! همین و بس!

جناح "سُفله و سُفله" که در مواجهه با همه چیز و همه کس به غیر از "مجاهدین خلق" با "تسامح و تساهل" عمل می کند در تکاپو است. می بایست "حیات خفیف و خائانه" در **کارگاه "عقلی سازی"** آن ها، "عقلایی" شود و به "مُد روز" مبدل گردد و در نهایت نیز به این دل خوش نمود که "شیخ جلال" و "گرگ زاده" در پایان عمر نکبت بار خود، به "حلالیت" آمدند!!!

در کارگاه "عقلی سازی" آن ها، "منافع ملی عراق" نیز "عقلایی" می شود تا یکبار دیگر "عقل معاش" به خیال باطل، به مصاف "عقل سرخ" رود **تا آن که نباید ترویج شود، ترویج نشود.** غافل از آن که این دیوار بلندتر از قامت آن ها است.

در مقاله "زخم های ما، نمک های آن ها!!!"⁽¹⁾ در پاسخ به "اکبر گنجی" به مثابه "نمونه تیپیکال" بخش "دیپلماتیک" جناح مزبور، بر این نکته اشاره نموده ایم که:

"اکبر گنجی" اما با "نگاهی دیگر"، "منافع ملی عراق" را در می یابد. جالب آنجا است که فراکسیون پیروز انتخابات پارلمان عراق (العراقیه)، ایاد علاوی، صالح مطلک، عبدالناصر المهداوی (استاندار دیالی)، حیدر الملا (سخنگوی فراکسیون العراقیه)، شورای شیوخ عشایر بغداد، جنبش ملی کلدانیهای عراق، 64 نماینده پارلمان عراق و... "منافع ملی عراق" را درک نمی کنند اما "اکبر گنجی"، ایضاً "حمید فرخنده" و چه بسا "علی سالاری" و "ایرج شکری" درک می کنند!!!

اکبر گنجی "البته به این نمی پردازد که چرا "نوری المالکی" ها، "منافع ملی عراق" را در سرکوب اشرف می دانند اما "ایاد علاوی" ها در حفاظت از اشرف!!!"

در ادامه نیز بر این مهم تاکید نهاده ایم که:

"فرض کنیم (فرض محال، محال نیست) که ادعای "اکبر گنجی" صحیح باشد و "منافع ملی عراق حکم می کند که رژیم جدید میان آمریکا و ایران و بقیه کشورهای جهان عرب به گونه ای بازی کند که نظم و امنیت در آن کشور حاکم شود و فرایند توسعه آغاز گردد"، آیا این مهم به معنای "بهترین رابطه" با رژیم آخوندی به عنوان یکی از همسایگان است؟! اگر "منافع ملی عراق" حکم کرد که پس از سرکوب اشرف، سرکوب "حزب دموکرات کردستان ایران" و "حزب کمونیست ایران" و "کومله" در دستور قرار بگیرد، چه کنیم؟! اگر منافع ملی ترکیه چنین حکم کرد؛ چه کنیم؟! اگر منافع ملی آلمان چنین حکم کرد؛ چه کنیم؟! و اگر آمریکا به "اکبر گنجی" گفت که منافع ملی ما حکم می کند که "بهترین رابطه" را با "جمهوری اسلامی" داشته باشیم و لذا "اقامت" و یا "پناهندگی سیاسی" شما منتفی است و تشریف ببرید بیرون، چه می کنید؟!

و مگر "منافع ملی ایران" حکم نمی کند که "سران فتنه" در "حصر خانگی" باشند؟! و مگر "منافع ملی ایران" حکم نمی کند که در مواجهه با "فتنه سبز" ده ها نفر به قتل برسند و صدها نفر مجروح شوند؟! مگر "منافع ملی ایران" حکم نمی کند که "اوین" برقرار باشد و "کهریزک" ها احداث شود؟!

چرا "منافع ملی ایران" را "رهبری نظام"، "ریاست جمهوری منتخب"، "شورای امنیت ملی"، "سپاه پاسداران انقلاب اسلامی" و... نمی توانند حکم کنند؟!!!

در همان مقاله به "اکبر گنجی" آموخته ایم که "شتر سواری دولا دولا نمی شود". این مهم از این **"واقعیت"** نشأت می گیرد که "زامداران جمهوری اسلامی" اگر تماماً نماد "شتر" باشند که بی تردید هستند اما یک "خیز" نیز دارند؛ تکلیف همه را روشن کردند. با آن ها نمی توان "بندبازی" کرد. اساساً "مسأله پیچیده ای"، "درباره هر موضوعی که به جمهوری اسلامی (هم) مربوط باشد" **در میان نیست.**

امروز در خبرها به نقل از "خبرگزاری فارس" (وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) آمده است:

"به دنبال محاصره مقر اصلی گروهک کومله توسط نیروهای مردمی کردستان عراق، کارشناسان معتقدند هم اکنون زمان بیرون راندن این گروهک تروریستی از منطقه کردستان عراق نیز فرا رسیده است."⁽²⁾

کسانی که "منافع ملی عراق" را "عقلایی" جلوه می دادند و در محکومیت های شرمگینانه خود، با رویکرد **خصمانه** نسبت به "مجاهدین خلق"، اسب "منافع ملی عراق" را زین می کردند و جاده "اشرف" به "زرگوین" را هموار نمودند باید پاسخ دهند، **"چه باید کرد؟"**

تا اینجا "منافع ملی عراق" حکم کرده است که پس از "مجاهد کشی" به "پیشمرگ کشی" نیز روی آورد.

آیا "کومله" نیز در لیست تروریستی ایالات متحده آمریکا قرار دارد؟!

آیا "کومله" نیز با همکاری رژیم متجاوز صدام حسین به ایران حمله کرده است؟!

آیا "کومله" نیز "کردکشی" کرده است؟!

آیا "کومله" نیز "شیعه کشی" کرده است؟!

و آیا "منافع ملی عراق" حکم کرده است که چنین شود؟!

"خبرگزاری فارس" در ادامه می نویسد:

"به گزارش خبرنگار خبرگزاری فارس در منطقه کردستان عراق، ساعتی پیش ده ها تن از مردم شهرک "زرگوئیز" از توابع استان سلیمانیه در اعتراض به غصب زمین های کشاورزی خود از سوی حزب منحله "کومله"، اردوگاه و دفتر سیاسی این حزب را محاصره کردند.

تظاهرات کنندگان اعلام کردند این گروهک کمونیستی چندین سال است زمین های کشاورزی مردم روستا را غصب کرده و بر روی زمین های آنها ساختمان سازی کرده اند و اکنون باید به طور کامل این منطقه را ترک کنند.

خبرنگار خبرگزاری فارس در شهر سلیمانیه گزارش داد که تظاهرات کنندگان اعلام کرده اند تا تخلیه کامل و اخراج این گروهک از خاک منطقه کردستان به محاصره محل اصلی و دفتر سیاسی این حزب ادامه داده و از ورود و خروج فریب خوردگان این حزب جلوگیری می کنند." (تاکید از من است.)

"**غصب زمین های کشاورزی**" همان ادعایی است که "نوری المالکی"ها در مواجهه با ساکنان اشرف نیز بیان کردند.

"چه باید کرد؟"

آیا "کومله" نیز توسط طایفه "سُفله و سُهله"، به خروج از "خاک منطقه کردستان" و تأمین "منافع ملی عراق" فراخوانده می شود؟!

آیا در مواجهه با "کومله" نیز "ظالم" و "مظلوم"، "جلاد" و "قربانی" و "زندانی" و "زندانبان" یکسان پنداشته می شوند؟!

آیا به "جنایات"؟! رهبران "کومله" نیز اشاره می شود؟!

بی تردید صحت و سقم ادعای "خبرگزاری فارس" در پرده ای از ابهام است. این که آیا "ده ها تن از مردم شهرک "زرگوئیز" از توابع استان سلیمانیه" چنین کرده اند که "فارس"ها می گویند مشخص نیست. در سایت های جریانات مختلف کردستان ایران که با نام "کومله" فعالیت می کنند به این "خبر" اشاره نشده است.

اگر این "خبر" صحیح باشد که "جنایت علیه بشریت" کلید خورده است و اگر "دروغ" باشد قطعاً آغاز یک "جنگ روانی" دامنه دار است که جنایت دیگری را "زمینه ساز" می شود.

آیا "محاصره مقر اصلی گروهک کومله توسط نیروهای مردمی (!) کردستان عراق" یادآور محاصره ضد انسانی "اشرف" نیست؟!

پاسخ را "خبرگزاری فارس" بیان می کند.

"هنوز مقامات کردستان عراق درباره این درخواست مردم شهر سلیمانیه واکنشی نشان نداده اند اما برخی کارشناسان سیاسی معتقدند پس از قطعی شدن اخراج گروهک منافقین از خاک عراق، هم اکنون زمان بیرون راندن این گروهک تروریستی از منطقه کردستان عراق نیز فرا رسیده است." (تاکید از من است.)

در مقاله "زخم های ما، نمک های آن ها!!!" خطاب به "اکبر گنجی" گفته بودیم:

"موضوع "مجاهدین خلق" با عراق نیز اساساً "پناهندگی سیاسی" نیست. موضوع اصلی "جمهوری اسلامی" است. "مجاهدین خلق" بر علیه "جمهوری اسلامی" و دولت فعلی عراق بر له "جمهوری اسلامی" موضع دارند. فرض کنیم که به جای "نوری المالکی"، "ایاد علاوی" نخست وزیر بود آیا تهاجم 19 فروردین قابل تصور بود؟!"

"چه باید کرد؟"

به باور راقم این سطور می بایست جهان را بر سر "پسرک ریش دار" خراب کرد. "مجاهدین خلق ایران" می بایست **"پیشتر"** باشند. باید فرصت را مغتنم شمرد، همانطور که طایفه "سُفله و سُفله" فرصت را مغتنم شمرد. باید منطق "متعفن" آن ها را متناسب با ماهیت و محتوای "منافع ملی عراق" با چالش جدی مواجه ساخت.

"جنبش کذابی سبز" در پیشگاه خون شهدای **"جنبش سر افراز سرخ"** رنگ باخته است، دیگر "پسته ای" هم نیست. تماماً "سفید" است. پرچم های سفید "تسلیم و سازش" به اهتزاز در آمده است. **"امیز خیز اشرف"** می بایست به **"وظیفه"** عمل کند. باید در "اشرف" ماند همانطور که در "زرگويز".

"ضرورت" ماندن در "اشرف" از این منطق نشأت می گیرد.

"نتیجه" اما مالیده شدن پوزه "پسرک ریش دار" در عراق و متعاقباً "پدر ریش بلند" در ایران، بر زمین است.

در مواجهه با "حداکثر تهاجم"، می بایست "تهاجم حداکثر" را سازماندهی کرد. "رنال پلنیک" چنین اقتضاء می کند.

"در دنیا همیشه برای کسانی که از خطر بهراسند، خطری وجود دارد."

(جورج برنارد شاو)

پی نوشت:

<http://www.aftabkaran.com/pdf/zakhm.pdf> (1)

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=9001271259> (2)

